

زنان و حکومت دینی در ایران:

بررسی پیامدهای گفتمان انقلاب اسلامی در مورد جایگاه سیاسی - اجتماعی زنان در ایران

یحیی فوزی^۱

چکیده: در ایران معاصر، در مورد جایگاه سیاسی - اجتماعی زنان همواره گفتمان سنتی مطرح بوده است. این گفتمان که ریشه در سنتهای اجتماعی و مذهبی در ایران داشته نقش مهمی در نوع نگرش به زن در جامعه ایران ایفا کرده است. اما در آستانه قرن بیستم و انقلاب مشروطه در ایران، گفتمان جدیدی در مورد زنان با تأثیرپذیری از مدرنیسم مطرح شد که هرچند وجوه مشترکی با مبانی مدرنیسم در غرب داشت، اما به دلیل عدم انطباق کامل با آن باید آن را گفتمان شبه مدرن نامید. این گفتمان در دوران حکومت پهلوی، گفتمان مسلط در عرصه مطالعات زنان محسوب می شد و در چهارچوب مبانی نظری خود به تعریف جایگاه زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی پرداخت.

در آستانه انقلاب اسلامی، گفتمان جدید دیگری در مورد زنان مطرح شد و در موضع قدرت قرار گرفت که می توان آن را گفتمان انقلاب اسلامی نامید. این گفتمان با نقد گفتمان سنتی و شبه مدرن تلاش کرد تا رویکرد جدیدی در نوع نگاه به زن در ایران مطرح سازد.

این مقاله ضمن تبیین گفتمانهای مذکور، پیامدهای آنها را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار می دهد و به صورت خاص به این سؤالات پاسخ می دهد که ویژگیها و محتوای گفتمان انقلاب اسلامی در مورد زنان چیست و این گفتمان چه تأثیری در سیاستگذاری در حوزه اجتماعی - سیاسی و حقوقی زنان در ایران به جای گذارده است؟

کلیدواژه‌ها: گفتمان انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی، زنان، ایران.

e-mail: yahyafozi@yahoo.com

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی.

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۵ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۱۷ مورد تأیید قرار گرفت.

در آستانه انقلاب اسلامی، گفتمان جدیدی در ایران در مورد زنان مطرح شد که می‌توان آن را گفتمان انقلاب اسلامی نامید. این گفتمان با نقد گفتمانهای موجود در مورد زنان - یعنی گفتمان سنتی و شبه مدرن - رویکرد جدیدی را در نوع نگاه به زن در ایران مطرح ساخت. گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان گفتمان مسلط بعد از انقلاب در موضع قدرت قرار گرفت و به بازسازی جایگاه زنان بر اساس مبانی نظری خود پرداخت. در این مقاله تلاش شده است تا با روشی توصیفی تحلیلی ضمن تبیین گفتمانهای مذکور، پیامدهای آن در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد و به صورت خاص به این سؤالات پاسخ داده شود که ویژگیها و محتوای گفتمان انقلاب اسلامی در مورد زنان چیست؟ و این گفتمان چه تأثیری در سیاستگذاری در حوزه سیاسی - اجتماعی و حقوقی زنان در ایران به جای گذارده است؟

الف) ویژگیهای گفتمان انقلاب اسلامی در مورد زنان

گفتمان انقلاب اسلامی در مورد زنان که توسط جمعی از متفکران انقلاب اسلامی مطرح شد دارای ابعاد سلبی و ایجابی است که بر این اساس به بررسی مشخصات و پیامدهای این گفتمان می‌پردازیم.

۱. ابعاد سلبی گفتمان انقلاب اسلامی در مورد زنان

یکی از ویژگیهای مهم گفتمان انقلاب اسلامی نقد و نفی گفتمانهای موجود زنان در جامعه ایران است که در این راستا نقد گفتمان سنتی و نقد گفتمان شبه مدرن که در جامعه ایران از طرفدارانی برخوردار بوده است اهمیت ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. در گفتمان سنتی که حاصل آمیزش میراث تاریخی و دیدگاه خاصی از مذهب در جامعه ایران در قرون متمادی بود نگرش به زن مبتنی بر برتری و تفوق تواناییهای مرد بر زن و ناتوانیهای زن به عنوان اموری طبیعی و مبتنی بر نظام آفرینش معرفی می‌شد. بر همین اساس، زنان به لحاظ ذهنی و جسمی موجوداتی پایین‌تر از مردان در نظر گرفته می‌شدند. البته، این وضعیت از تفاوت نظام طبیعی در خلقت زن و مرد نتیجه گرفته می‌شد (ر.ک. به: نیکخواه قمصری ۱۳۸۴: ۱۰۶ - ۶۵).

گفتمان سنتی با تکیه بر نگرشهای فوق، به تفسیری مضیق (درباره حقوق اعطایی به زنان) از متون و منابع دینی می‌پردازد و حضور اجتماعی زن نیز به صورتی بسیار محدود و کنترل شده

مطرح می‌شود. گفتمان انقلاب اسلامی به نقد این گفتمان می‌پردازد این گفتمان که توسط جمعی از متفکران معاصر در ایران مطرح شد بر اساس نقد سراسری خود به گفتمان سنتی و وضعیت انفعالی که گفتمان مزبور در آن به سر می‌برد، اقدام به نقد جایگاه زنان در این گفتمان کرد و مبانی نظری و معرفت‌شناسی گفتمان سنتی نسبت به زنان را مورد انتقاد شدید قرار داد. ویژگی اصلی تحلیلهای اندیشه‌پردازان بر این اساس قرار داشت که هرچند نظام طبیعی در خلقت زن و مرد با یکدیگر متفاوت است، اما از این تفاوتها نمی‌توان نابرابری یا برتری یکی را بر دیگری نتیجه گرفت. در کنار این نگرش، دیدگاه دوّمی در ایران از زمان انقلاب مشروطه به بعد با تأثیرپذیری از اندیشه‌های مدرنیسم در غرب مطرح شد که بر اندیشه مدرنیسم، با تأکید بر اندیشه برابری بر اساس ردّ نظام طبیعی مبتنی بر تفاوت ساختار زن و مرد، استوار بود و نابرابریهای موجود در میان زن و مرد را ناشی از سازمان جامعه و نه از هیچ‌گونه تفاوت مهم زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان می‌دانست (ایبوت ۱۳۷۶: ۲۴۷). این الگو در دوران پهلوی اوّل و دوّم به شکل ناقص مورد استفاده قرار گرفت. آنچه را که در این دوران در جریان بود نه دیدگاهی مدرن، بلکه می‌توان دیدگاهی شبه مدرن نامید. دلیل این امر نیز آن بود که اولاً، رهبران حکومت در دوران پهلوی خود اعتقادی به این مباحث نداشتند. ثانیاً، در مقام عمل نیز محدودیتهایی که نظام استبدادی پیوسته برای تحقق برابری و آزادی برای مردان در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی اعمال می‌کرد باعث ایجاد مانعی در مقابل زنان در این عرصه‌ها می‌شد. در توضیح این بحث باید گفت که نگرش رضاخان به مقوله زنان، نگرشی ایزاری بود. رضاخان زنان را به عنوان بخشی از جامعه که می‌بایست در توسعه مورد نظر او نقش ایفا کنند، مورد توجه قرار می‌داد. بنابراین تحول در وضعیت زنان تنها تا جایی ادامه و گسترش یافت که در چهارچوب طرح فوق‌الذکر قرار داشت و لذا در این راستا، اعتقادی به مبانی نظری تجلّد و برابری زن و مرد نداشت (ایبوت ۱۳۷۶: ۱۱۳).

این نوع نگرش در دوران محمد رضا شاه نیز تداوم یافت، در مصاحبه معروف شاه با اوریانا فالاچی وی دقیقاً این اعتقادات خود را مطرح ساخت که شما زنان تنها از نظر قانون برابر هستید و نه از نظر تواناییها، شما هرگز نتوانستید در میان خود افرادی چون میشل آندر و یا باخ به وجود آورید. شما حتی هیچ نتوانستید یک سر آشپز خوب باشید، شما هیچ چیز عمده چشمگیری انجام نداده‌اید و از نظر فکری ناتوان هستید (فالاچی ۱۳۵۷: ۱۰).

بنابراین ملاحظه می‌شود که نگرش غالب بر گفتمان مدرنیزاسیون در دوران پهلوی، نگرشی است که وفاداری چندانی به مبادی فکری و اندیشه‌ای لیبرال فمینیسم به عنوان عمده‌ترین جریان اثرگذار بر فعالیتهای زنان در این دوره نداشته است. به علاوه به گفته یکی از محققان، عمدتاً تلاشهای رژیم در مورد زنان نمایشی بود و سازمانهای زنان توسط دولت به این دلیل تأسیس شد تا از طریق آن دولت خود را به صورت قهرمان حقوق زنان جلوه دهد و از ظهور جنبشهای مستقل زنان از دولت که می‌توانند درخواستهای حاد و جدی داشته باشند، جلوگیری کنند. در نتیجه دفاع از حضور اجتماعی زنان در این دوران، به حضور زنان در عرصه‌های تبلیغات کالاهای وارداتی و مسائل خاص محدود شد (کار ۱۳۷۹: ۴۱). این وضعیت باعث گردید که تنها بخش کمی از جامعه زنان تحت تأثیر این گفتمان به مشارکت اجتماعی روی آورند.

گفتمان انقلاب اسلامی در نقد گفتمان شبه مدرنیزاسیون از یک سو با ایجاد تردید در مبانی اندیشه‌های فمینیستی غرب درباره زنان و شبهه در زیربنایی‌ترین اصل مورد اتکای آنان، یعنی بحث از عدم تفاوت‌های طبیعی زن و مرد می‌پردازد و از سوی دیگر با برجسته نمودن نقاط ضعف این الگوی غربی و معرفی این الگو به عنوان نظامی ناکارآمد و منحرف در خصوص مباحث مربوط به زنان، که به شیء گشتگی زنان و ابزاری شدن آنها برای نظام سرمایه‌داری جهانی منجر شده است اشاره کرده و ناکارآمدی گفتمان شبه مدرنیستی را اثبات می‌کند. این گفتمان همچنین با نقد روندهای عینی جاری در جوامع غربی، ضرورت الگوگیری از غرب را مورد تردید قرار داد و سپس از طریق نقد سیاست‌زدگی مباحث زنان و استفاده ابزاری از این مباحث، اعتبار گفتمان شبه مدرنیستی را به زیر سؤال برد. به بیان دیگر، گفتمان انقلاب اسلامی آنچه را درباره زنان تحت حاکمیت گفتمان شبه مدرنیستی (در دوره رژیم پهلوی) مطرح شده بود به شدت آغشته به اغراض سیاسی داشت و معتقد گشت تصور اینکه این اقدامات در چهارچوب منافع زنان جامعه بوده، تصویری اشتباه است و هدف اصلی توطئه‌ای برای استفاده ابزاری از زنان می‌باشد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۳۰۵).

۲. ابعاد ایجابی گفتمان انقلاب اسلامی در مورد زنان

ابعاد ایجابی گفتمان انقلاب اسلامی در مورد زنان بر این اساس قرار داشت که زن و مرد هر چند دارای تفاوت‌های طبیعی در نظام خلقت می‌باشند، اما از این تفاوت‌ها نمی‌توان نابرابری یا برتری یکی

را بر دیگری نتیجه گرفت، بلکه باید گفت که هر دو دارای هویتی انسانی می‌باشند و دارا بودن هویت انسانی می‌تواند جایگاه برابری را برای استفاده زنان از فرصتهای اجتماعی فراهم آورد و تفاوت‌های طبیعی مذکور تنها می‌تواند برخی استعداد‌های خاص در هر جنس را مشخص کند.

علامه طباطبایی یکی از این اندیشمندان مؤثر بر گفتمان انقلاب اسلامی در این مورد، تقدم هویت انسانی بر هویت جنسیتی افراد را امری برخاسته از تعقل و عقلانیت برمی‌شمرد و با ذکر آیاتی از قرآن کریم بر این نکته تأکید می‌ورزد که خداوند بیش و پیش از هر چیز افراد را به عنوان انسان مخاطب خود قرار داده است و هویت‌هایی که مبتنی بر جنسیت افراد می‌باشند، به عنوان اموری فرعی تلقی می‌گردند. به نظر ایشان:

اسلام تشخیص می‌دهد که انسانیت یک نوع واحد ممتاز است و مرد و زن هر دو انسانند و در عین حال که از جهت نری و مادگی متفاوتند، از جهت انسانیت هیچ‌گونه فرقی با هم ندارند، زیرا هر دو انسان را اعم از زن یا مرد دو فرد نر و ماده با تناسل خود بوجود می‌آورند (طباطبایی: ۱۳۵۷: ۲۶-۲۵).

وی سپس با ذکر آیاتی از قرآن کریم (آیه ۱۹۴ از سوره آل عمران و آیه ۱۳ از سوره حجرات)، نتیجه می‌گیرد که شرع اسلام زن را نیز مانند مرد جزء کامل جامعه انسانی قرار داده و هر دو را به طور متساوی جزء متشارك شناخته و برای زن نیز آزادی اراده و عمل تشریح فرموده چنانچه در مرد همین حق را جعل کرده است (طباطبایی: ۱۳۵۷: ۲۶-۲۵).

مرتضی مطهری، از دیگر اندیشه‌پردازان گفتمان انقلاب اسلامی که یکی از شاگردان علامه طباطبایی محسوب می‌گردد، با تکیه بر آیات مختلف قرآن از سوره‌هایی چون نساء، آل عمران و روم بر این عقیده بود که:

قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده‌ایم. قرآن درباره آدم اول می‌گوید: همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود قرار دادیم (سوره نساء آیه ۱) درباره همه آدمیان می‌گوید: «خداوند از جنس خود شما برای شما همسر آفرید» (مطهری: ۱۳۵۷: ۱۱۵).

امام خمینی نیز در این باره چنین تصریح می‌کنند:

از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست. زیرا که هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بلکه در بعضی از

موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط

ندارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۶۴).

این محور از گفتمان انقلاب اسلامی از سوی سایر اندیشه‌پردازان فعال مانند دکتر علی شریعتی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

در واقع، انقلاب اسلامی الگوی سوّمی را در نحوه نگرش به جایگاه زنان مطرح کرد که مبتنی بر دو رکن یعنی ایده برابری انسانی آنها با مردان از یکسو و وجود برخی تفاوت‌های طبیعی آنها با مردان از سوی دیگر بود. گفتمان انقلاب اسلامی وضعیت آرمانی مورد ادعایی خود درباره زنان را بر اساس شخصیت‌هایی چون حضرت فاطمه^(س) و حضرت زینب^(س) شکل می‌دهد. زنانی که در نزد شیعیان از جایگاهی ویژه برخوردار هستند. در الگوسازی فوق، تلاش در جهت ارائه تصویری از زن مسلمان است که ضمن رعایت قوانین و قواعد اسلامی، حضور مؤثر و تعیین‌کننده در اجتماع دارد و گفتمان انقلاب اسلامی، زنان را تشویق به حرکت به سوی چنین الگوهای می‌کند. بنابراین گفتمان انقلاب اسلامی، تلاش کرد با تزریق اندیشه‌هایی جدید به بدنه فرسوده گفتمان سنتی، نوع نگرش به زن را تغییر دهد. این نوع نگاه پیامدهای خاصی را در عرصه‌های اجتماعی برای زنان در ایران به دنبال داشت که در ادامه مقاله به نقد و بررسی این پیامدها می‌پردازیم.

ب) پیامدهای گفتمان انقلاب اسلامی بر جایگاه سیاسی و اجتماعی و حقوقی زنان در ایران

اکنون در ادامه به این سؤال می‌پردازیم که گفتمان انقلاب اسلامی چه تأثیری بر جایگاه زن در ایران بعد از انقلاب داشت؟ آیا علاوه بر تغییر در نوع نگرش به زن، تغییری نیز در نحوه مشارکت سیاسی - اجتماعی و جایگاه حقوقی آنها فراهم آورد؟ و اصولاً در چه حوزه‌هایی موجب تحول گردید؟ همان‌طور که بیان شد گفتمان انقلاب اسلامی با نقد گفتمان سنتی و گفتمان شبه مدرنیستی تلاش کرد تا الگوی بدیلی را در مورد زنان ارائه دهد. از یکسو در مقابل دیدگاه سنتی بر برابری انسانی زن و مرد تأکید داشت و از سوی دیگر در مقابل دیدگاه مدرنیستها با واقع‌گرایی، برخی تفاوت‌های خاص زن و مرد را مدنظر قرار می‌داد. این نوع تغییر نگاه به زن، پیامدهای سیاسی - اجتماعی خاص خود را نیز به دنبال داشت به طوری که این گفتمان خواستار برابری فرصتها و امکانات برابر برای زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و اقتصادی گردید و تلاش نمود

تا موانع استفاده از این فرصتها را در عرصه‌های حقوقی و فقهی فراهم آورد. اما از سوی دیگر، با توجه به نگرش این گفتمان به برخی تفاوت‌های خاص بین زن و مرد، تلاش کرد تا با توجه به این تفاوتها، حضور زنان در عرصه‌های خاصی را تقویت کرده تا مشارکت مذکور مغایرتی با تقویت خانواده به عنوان یک بنیاد اساسی در جامعه نداشته باشد و این نهاد مهم جامعه را تضعیف نکند. در مجموع نگاهی به آمارها و ارقام مربوط به جایگاه زنان بعد از انقلاب اسلامی در ایران نشان می‌دهد که جهت‌گیریهای زیر مورد تأکید بوده است:

۱. تلاش برای ایجاد برابری فرصتها و امکانات اجتماعی و سیاسی برای زنان

آمارها نشان می‌دهد که برای جمعیت زنان در ایران که ۴۹/۱۲٪ از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند، ایجاد فرصتهای برابر اجتماعی و سیاسی در حال افزایش است. در ادامه، به دو فرصت مهم در حوزه آموزشی و سیاسی می‌پردازیم:

یک) زنان و فرصتهای آموزشی

آمارهای مربوط به آموزش زنان نشان می‌دهد که طی دهه‌های گذشته فرصتهای برابر آموزشی در حال گسترش پیش‌روی زنان در ایران قرار گرفته است که این فرصتها نیز بر خلاف گذشته با استقبال خانواده‌های مسلمان مواجه شده است. اصولاً نوع نگاه جدید خانواده‌ها مخصوصاً پدران از نظام آموزشی و اسلامی حکومت جدید که در واقع پذیرش گفتمان انقلاب اسلامی بود موجب کمرنگ شدن موانع فرهنگی و سنتی بر سر آموزش دختران در خانواده‌های مذهبی شد که این موضوع زمینه را برای گسترش فرصتهای آموزشی برای زنان فراهم آورده که در نتیجه آن نرخ باسوادی جمعیت ۶ سال به بالا در بین زنان از سال ۵۵ تا ۸۳ معادل ۱۲۶/۱۹٪ رشد داشته و ۸۰/۳٪ زنان با سوادی شده‌اند که این میانگین برای زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله معادل ۹۴/۱۰٪ می‌باشد (مرکز آمار ایران، آمار سال ۱۳۸۳).

در واقع، آمار نشان می‌دهد سرعت باسوادی زنان جوان در سالهای اخیر موجب شده است تا شکاف موجود میان زنان و مردان با سوادی به شدت کاهش یابد. اقدامات انجام گرفته نشان می‌دهد که میزان باسوادی در سال ۱۳۶۵، ۶۲٪ بوده و در مقطع کنونی به حدود ۸۵٪ رسیده است. میزان باسوادی زنان روستایی که در سال ۱۳۳۵ فقط ۱٪ بود، در سال ۱۳۸۳ به بالای ۷۰٪ رسیده است. اقدامات انجام گرفته نشان می‌دهد پیشرفت زنان در زمینه آموزش و تحصیلات بیشتر از مردان

است؛ به طوری که در سال ۱۳۸۴ حدود ۶۰٪ پذیرفته شدگان دختر بودند. در حالی که در مقطع کنونی تعداد دختران وارد شده به دانشگاه و دانشجویان دختر بیش از پسران شده است. مع الوصف حدود ۳۴٪ از فارغ التحصیلان دانشگاهها در سال ۷۵ و ۷۶ دختران بوده‌اند که در سال ۸۲ و ۸۳ این رقم به حدود ۴۷٪ رسیده است و این تعداد در سال ۸۴ و ۸۵ به ۶۲٪ افزایش یافته است.

در گذشته گرایش دختران به رشته‌های فنی مهندسی، کشاورزی، عمران، مکانیک کمتر بوده است، در حالی که در حال حاضر گرایش دختران به سمت این رشته‌ها در حال فزونی است. در حال حاضر گرایش دختران به رشته‌های پزشکی و هنر بیشتر از پسران است. نگاهی به شاخصهای توسعه جنسیتی سازمان ملل در ایران نیز نشان می‌دهد که بر اساس شاخص‌های سال ۲۰۰۶، ایران از نظر شاخص توسعه جنسیتی (GDI) در رتبه ۸۲ قرار دارد که نسبت به رتبه این کشور در سالهای قبل ارتقاء یافته است.

مقایسه برخی از شاخص‌های توسعه جنسیتی در ایران و کشورهای دیگر

رتبه توسعه انسانی	کشور	شاخص GDI		امید به زندگی در تولد (سال)		نرخ سواد بزرگسالان		برآورد در آمد اکتسابی (دلار)	
		ارزش	رتبه	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
۱۰۱	ایران	۷۱۳٪	۸۲	۷۱/۷	۶۸/۸	۷۰/۴٪	۸۳/۵٪	۲۸۳۵	۹۰۹۴۶
۱۱۱	اندونزی	۶۸۵٪	۹۰	۶۸/۶	۶۴/۶	۸۳/۴٪	۹۲/۵٪	۲۰۱۳۸	۴۰۱۶۱
۱۲۷	هند	۵۷۲٪	۱۰۳	۶۴/۴	۶۳/۱	۴۶/۴٪	۶۹/۰٪	۱۰۴۴۲	۳۰۸۲۰
۱۳۲	پاکستان	۴۷۱٪	۱۲۰	۶۰/۷	۶۱/۰	۲۸/۵٪	۵۳/۴٪	۹۱۵	۲۰۷۸۹

(Human Development Report 2004)

دو) زنان و سیاست

بررسی جایگاه زنان در عرصه سیاست نیز شاخص دیگری برای این مدعا است. اصولاً زنان در انقلاب اسلامی نقش مهمی را داشتند و با برگزاری تظاهرات و تشویق مردان نقش مهمی در پیروزی انقلاب و در جنگ ایفا کردند. همچنین آنان در انتخابات مختلف به پای صندوقهای رأی آمده و با رأی خود سرنوشت سیاسی کشور را رقم زدند.

آمار تعداد داوطلبان هفت دوره مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد تعداد داوطلبان زن از دوره اول تا هفتم از ۶۶ نفر رسید، به ۸۲۸ نفر یعنی حدود ۱۲ برابر شده است (اداره کل انتخابات کشور). همچنین تعداد منتخبین زن هفت دوره مجلس طی دوره‌های مذکور سه برابر شده است و مشارکت سیاسی زنان به عنوان عضو شورای اسلامی شهر و روستا افزایش داشته است. نرخ رشد درصد اعضا زن شورای اسلامی شهر و روستا، طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲ برابر ۷۹،۷۶٪ بوده است (اداره کل انتخابات کشور).

همچنین نرخ رشد درصد مدیران، قانونگذاران و کارکنان عالی رتبه زن طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ تغییر چشمگیری داشته است که نمایانگر کاهش شدید تفاوت جنسیتی موجود در عرصه مدیریت می‌باشد. به طوری که نرخ رشد این نماگر در دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۴ برای مردان برابر ۳۸۰٪ و برای زنان برابر ۲۱۷۲٪ بوده است (معاونت امور انفورماتیک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور).

طبق آمارهای موجود تعداد سازمانهای غیر دولتی زنان تا قبل از سال ۱۳۷۵ حدود ۵۵ سازمان غیر دولتی بوده است (معاونت امور اجتماعی و توسعه مشارکتها - مرکز امور مشارکت زنان) اما نرخ رشد تعداد سازمانهای غیر دولتی زنان طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ برابر ۶۱۶،۴۱ بوده و بیشترین نرخ رشد مربوط به سازمانهای غیر دولتی زنان با موضوع فعالیت فرهنگی - اجتماعی بوده است که ۷۷۵٪ رشد را نشان می‌دهد. شایان ذکر است در حال حاضر بیش از ۵۲۰ سازمان غیر دولتی زنان در کشور فعال می‌باشند (مجله آوا، فروردین ۸۵).

در مجموع زنان در عرصه سیاست و مدیریتهای کلان هر چند سهم زیادی ندارند، اما این روند در ایران در حال گسترش است. اصولاً زنان در جهان علاقه کمتری به عرصه سیاست دارند و سهم زنان در عرصه مدیریتهای سیاسی در بسیاری از کشورها اندک است اما ایران در بین کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه از موقعیت بهتری برخوردار می‌باشد.

بررسی گزارش سازمان ملل در مورد معیارهای توانمند سازی زنان در ایران نیز نشان می‌دهد که حضور زنان در مشاغل کلیدی مدیریتی و نیز پستهای سیاسی نسبت به کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران در حال رشد است.

حضور زنان در پست‌های سیاسی و مدیریتی

کشور	شاخص GEM	درصد زنان				نسبت درآمد زنان به مردان
		رتبه	ارزش	کرسپهای پارلمانی	پستهای مدیریتی	
ایران	۷۲	%۳۱۳	%۴/۱	%۱۳	%۳۳	%۲۹
پاکستان	۶۴	%۴۱۶	%۲۰/۸	%۶	%۲۶	%۳۳
ترکیه	۷۳	%۲۹۰	%۴/۴	%۷	%۳۱	%۶۰

(Human Development Report 2004)

۲. تلاش برای رفع موانع نظری برخی نابرابریهای فقهی - حقوقی

بسیاری از نابرابریهای حقوقی زنان و مردان، ریشه در استنباطات فقهی دارد که به نظر می‌رسد با تغییر دیدگاه نسبت به زنان، و با مبنای تأثیر شرایط زمان و مکان در اجتهاد که توسط امام خمینی مطرح شد زمینه برای تغییر در برخی از این استنباطات فراهم آمده است از جمله در سالهای اخیر برخی فقهای شیعه از عدم شرط جنسیت در پذیرش مسئولیتهای کلان سیاسی همچون ریاست جمهوری یا حتی جایگاه فقیه سخن گفته‌اند (ر.ک. به: بجنوردی ۱۳۸۶) و با ایجاد شرایط ضمن عقد برای زنان حق طلاق و توانایی حقوقی معادل مردان را فراهم آورده‌اند و در موضوعات چالش برانگیزی همچون ارث، شهادت، دیه و قضاوت زنان نیز برخی فقها مباحث جدیدی مطرح کرده‌اند که گامی به جلو برای تحقق برابری حقوقی زنان محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد تغییر نوع نگاه به زنان در بین فقهای شیعه هر چند به کندی، اما در یک حرکت رو به جلو در حال انجام است و این تغییر نگاه موجب استنباطات جدیدی در فقه شده که می‌تواند زمینه تحول حقوقی مورد نظر را نیز در دراز مدت به وجود آورد.

۳. ترغیب زنان به حضور در عرصه‌های اجتماعی خاص با محوریت تقویت نهاد خانواده

نگاهی به آمار نشان می‌دهد که هر چند دولت تلاش کرده تا زمینه را برای افزایش مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان فراهم آورد، اما در عین حال با توجه به اینکه در این گفتمان برخی تفاوت‌های شرایط خاص زنان مورد پذیرش قرار گرفته است، این گفتمان حضور زنان را

در عرصه‌های خاصی همچون آموزش و پرورش، آموزش عالی و امور بهداشتی و فرهنگی تقویت کرده و با ایجاد امتیازاتی، آنها را ترغیب می‌کند تا مشارکت مذکور مغایرتی با تقویت خانواده به عنوان یک بنیاد اساسی در جامعه نداشته باشد و این نهاد مهم جامعه را تضعیف نکند.

بررسی وضعیت اشتغال زنان در ایران بعد از انقلاب نشان می‌دهد که یک سوم جمعیت فعال کشور را زنان تشکیل می‌دهند در سالهای اخیر (مرکز آمار ایران ۱۳۸۳) اشتغال زنان در بخشهای دولتی به شدت افزایش یافته است و سهم زنان حقوق بگیر بخش دولتی در میان کل زنان شاغل از ۲٪ در سال ۵۵ به ۴۲٪ در سال ۶۵ افزایش یافته است (معاونت طرح و برنامه مرکز امور زنان و خانواده، تابستان ۱۳۸۵). این موضوع در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل نیز منعکس شده و در آن آمده است که در مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی از سال ۱۹۹۰ میلادی تا کنون در ایران پیشرفتهای چشمگیری به دست آمده است. هر چند هنوز فاصله زنان تا وضع مطلوب بسیار زیاد است، به گونه‌ای که شاخص نرخ فعالیتهای اقتصادی زنان در ایران ۱۳۹ می‌باشد که در طی یک و نیم دهه گذشته رشد ۳۹ درصدی داشته است، متوسط این شاخص در جهان ۱۰۲ و در کشورهای توسعه یافته ۱۰۶ است.

وضعیت زنان در فعالیتهای اقتصادی

کشور	رتبه توسعه انسانی	فعالیتهای اقتصادی زنان		نسبت زنان به مردان		
		نرخ	شاخص (۱۹۹=۱۰۰)	کشاورزی	صنعت	خدمات
ایران	۱۰۱	۳۰/۰٪	۱۳۹	-	-	-
اندونزی	۱۱۱	۵۶/۰٪	۱۱۱	-	-	-
ترکیه	۸۸	۵۰/۸٪	۱۱۶	۲۳۲٪	۵۶٪	۶۰٪
پاکستان	۱۴۲	۳۶/۳٪	۱۲۷	۱۶۴٪	۴۶٪	۵۰٪
کشورهای در حال توسعه		۵۵/۸٪	۱۰۱	-	-	-
OECD		۵۱٪	۱۰۶	-	-	-
کشورهای با توسعه انسانی بالا		۵۰/۹٪	۱۰۶	-	-	-
کشورهای با توسعه انسانی متوسط		۵۶/۷٪	۱۰۱	-	-	-
کشورهای با توسعه انسانی پایین		۵۶/۹٪	۱۰۲	-	-	-
جهان		۵۵/۳٪	۱۰۲	-	-	-

(Human Development Report 2004)

از حدود ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار کارکنان دولت حدود ۷۰۰ هزار نفر، یعنی حدود ۳۰٪ آنان را زنان تشکیل می‌دهند که توزیع آنها در بخشهای مختلف نشان می‌دهد که به ترتیب اکثریت عمدتاً در آموزش و پرورش، بهداشت، دادگستری، آموزش عالی و صنایع در حال کار می‌باشند. همچنین این آمارها نشان می‌دهد که در سالهای اخیر در حدود یک چهارم زنان شاغل را کارکنان فنی و تخصصی تشکیل داده‌اند (معاونت طرح و برنامه مرکز آموزش زنان و خانواده، تابستان ۱۳۸۵). سهم زنان از کارکنان آموزشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی طی یک دهه گذشته نیز از ۱۵٪ به ۱۹٪ رسیده است.

درصد اشتغال زنان در بخش خدمات و کشاورزی به طور متوسط طی سالهای ۵۵ تا ۸۴ به ترتیب حدود ۴۶/۱۸٪ و ۱۰/۸٪ افزایش داشته است، اما در بخش جمعیت با کاهش اشتغال زنان طی سالهای مذکور مواجه می‌باشیم (مرکز آمار ایران ۱۳۸۴).

نگاهی به آمار نشان می‌دهد که دولت با اتکا به گفتمان خاص خود در مورد زنان تلاش کرده تا زمینه را برای افزایش مشارکت اقتصادی زنان فراهم آورد، اما در عین حال برخی تفاوت‌های شرایط خاص زنان موجب شده تا آنان از عرصه‌های خاصی از اقتصاد استقبال بیشتری کنند و در بخشهای خاصی تمرکز بیشتری داشته باشند. هرچند وضع مقررات خاص توسط دولت نیز در این موضوع در ترغیب زنان مؤثر بوده است؛ زیرا دولت به منظور تقویت نهاد خانواده با تغییراتی در قانون کار اقداماتی همچون سیاست کار نیمه وقت زنان، افزایش مرخصیهای زایمان، فرصتهای بیشتری برای زنان کارمند جهت شیردهی به فرزندان خود، ایجاد تسهیلات برای بازنشستگی پیش از موعد زنان، اعطای مرخصی بدون حقوق به زنان و... را انجام داده است. این تسهیلات موجب گردید تا کارفرمایان بخش خصوصی تمایل کمتری به جذب زنان داشته باشند و زنان نیز تمایل بیشتری به کار در بخشهای دولتی داشته باشند و عمدتاً از اشتغالاتی استقبال کنند که فرصت بیشتری را برای آنها در عرصه خانواده فراهم می‌آورد.

منابع

- آمار دریافتی از سازمان ثبت احوال کشور.
- آمار دریافتی از ستاد انتخابات وزارت کشور.
- آمار دریافتی از معاونت توسعه مشارکتها، مرکز امور مشارکت زنان.
- آمار دریافتی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم.
- ایبوت، پلاملا و مکر والاس. (۱۳۷۶) *درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی*، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر.
- بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۶) *حقوق خانواده*، تهران: نشر مجد.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین. (۱۳۵۷) *استوائی زن در اسلام*، تهران: نشریه ندای ایمان.
- فالاجی، اوریانا. (۱۳۵۷) *مصاحبه با تاریخ‌سازان*، ترجمه پیروز ملکی، تهران: امیر کبیر.
- کار، مهرانگیز. (۱۳۷۹) *زن و مشارکت سیاسی، موانع و امکانات*، تهران، انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان.
- *مجله آوا*، (فروردین ۱۳۸۵).
- مرکز آمار ایران، *آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار* (۹ جلد نشریه مربوط به سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۳).
- مرکز آمار ایران، *سالنامه آماری کشور* (۵ جلد نشریه مربوط به سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۸۳، ۱۳۷۵).
- مرکز آمار ایران، *مرگ و میر کودکان در ایران، روندها و شاخصها (۱۴۰۰-۱۳۳۵)*.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۴) *نتایج آمارگیری از نیروی کار*.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷) *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: انتشارات صدرا.
- معاونت امور انفورماتیک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- معاونت امور اجتماعی و توسعه مشارکتها - مرکز امور مشارکت زنان.
- معاونت طرح و برنامه مرکز امور زنان و خانواده. (تابستان ۱۳۸۵) *گزارش تحول وضعیت زنان طی سالهای ۸۵-۱۳۵۵*.

- نیکخواه قمصری، نرگس. (۱۳۸۴) *تحول نگرش نسبت به زن و تأثیر آن در انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۰) *گزارش فرهنگی کشور*.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، *زنان در عرصه فرهنگ و هنر*.
- Human Development Report (2004) *United Nations Development Program*.
- www.iranwomen.org.ir

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.